

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آتیلیو بورون*
فرستنده: عثمان حیدری
۲۱ نومبر ۲۰۱۹



آتیلیو بورون

کودتا در بولیوی: پنج درس



زمانی که حمله علیه او آغاز شد، او به جای پاسخ دادن به تحریکات فاشیستی سیاست تسامح را در پیش گرفت. این آن‌ها را جسور کرد و به آن‌ها اجازه داد خواست خود را بالا ببرند: نخست خواست برگزاری دور دوم انتخابات؛ سپس طرح تقلب و انتخابات جدید؛ کمی بعد، انتخابات بدون او (شبیه در برزیل بدون لولا). سپس، آن‌ها خواهان استعفای او شدند؛ در آخر، به دلیل تردید او در گردن نهادن به باج‌گیری، آن‌ها با همدستی پولیس و ارتش ترور را مستقر کردند و او را مجبور به استعفاء نمودند. همه چیز طبق دفترچه راهنما. آیا ما از این درس‌ها خواهیم آموخت؟

تراژیدی بولیوی درس‌های گوناگونی را به ما می‌آموزد، درس‌هایی که مردم ما و نیروهای اجتماعی و سیاسی مردم باید از آن بیاموزند و آن‌را برای همیشه در ضمیر خود ثبت نمایند. در اینجا یک فهرست مختصر، که با عجله نگاشته شده، به مثابه پیش‌درآمدی بر یک تحلیل مشروح‌تر در آینده، ارائه می‌شود.

نخست: علی‌رغم اداره اقتصادی نمونه‌وار دولت اوو که رشد، بازتوزیع، جریان سرمایه‌گذاری و بهبود در شاخص‌های اقتصادی کلان و خرد را تضمین نمود، نیروهای راست‌گرا و امپریالیستی هرگز دولتی را که خود را معطوف به خدمت به منافع آن‌ها نکند، نخواهند پذیرفت.

دوم: این ضروری است که همه کتابچه‌های راهنمای منتشر شده به وسیله آژانس‌های گوناگون دولت ایالات متحده و سخنگویان آن در پوشش دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران را خواند، تا به موقع علایم هشدار دهنده تهاجم را درک کرد.

این متون همواره بر ضرورت نابود کردن شهرت رهبر مردمی، چیزی که آن‌ها در اصطلاح تخصصی «ترور شخصیت» می‌نامند، طیفه‌بندی او به مثابه یک دزد، فاسد، دیکتاتور و نادان تأکید می‌کنند.

این وظیفه به کارشناسان روابط عمومی اجتماعی، به اصطلاح «روزنامه‌نگاران مستقل» که به سود کنترل تقریباً انحصاری خود بر رسانه‌ها، این بدنام‌سازی را به مغز جمعیت فرو می‌کنند، و در نمونه مورد بحث ما، همراه با پیام نفرت علیه مردم بومی و به طور کلی فقراء محول می‌شود.

سوم: پس از کامل شدن مقدمات، زمان طرح طلب رهبری سیاسی و نخبگان اقتصادی برای «یک تغییر»، پایان دادن به «دیکتاتوری» اوو، آن‌طور که وارگاس یووسای رسوا [ماريو وارگاس یوسا، داستان‌نویس و سیاستمدار اهل پرو و برنده جایزه ادبیات نوبل- عدالت] چند روز پیش نوشت «عوام‌فریبی است که می‌خواهد قدرت خود را ابدی سازد»، فرا می‌رسد.

من شرط می‌بندم زمانی که او تصاویر دستجات فاشیست را در حال غارت، سوزاندن، بستن روزنامه‌نگاران با زنجیر به تیر چراغ برق، تراشیدن موی سر یک شهردار زن و ریختن رنگ سرخ بر سر او، و نابود کردن صندوق‌های رأی انتخابات اخیر را می‌دید که به فرمان «دون ماریو» و برای آزاد کردن بولیوی از یک عوام‌فریب شیطانی عمل می‌کردند، در مادرید به سلامتی شامپاین می‌نوشتید.

من به او به عنوان یک نمونه اشاره می‌کنم، زیرا او پرچمدار بدسرشت این حمله خبیثانه، این جنایت بی‌پایان است که رهبران مردم را به صلیب می‌کشد، دموکراسی را نابود می‌کند و یک حکومت ترور را به سرکردگی آدمکشانی که برای تنبیه کردن مردم شرافتمندی که جسارت طلب آزاد زیستن را دارند اجیر شده اند، سر کار می‌آورد.

چهارم: «نیروهای امنیتی» وارد صحنه می‌شوند. در این مورد ما از مؤسسه‌ای می‌گوئیم که به وسیله آژانس‌های متعدد- نظامی و غیرنظامی- دولت ایالات متحده کنترل می‌شوند.

آن آژانس‌ها این‌ها را تعلیم می‌دهند، مسلح می‌کنند، با این‌ها مانورهای مشترک برگزار می‌کنند و آموزش سیاسی می‌دهند. من زمانی که به دعوت اوو، یک کلاس «ضد امپریالیسم» را برای افسران سه نیروی مسلح آغاز کردم فرصت دیدن این را یافتم.

در این فرصت من از درجه رسوخ ارتجاعی‌ترین شعارهای امریکای شمالی به ارث مانده از دوران جنگ سرد و ناراحتی آشکار از این‌که یک شخص بومی باید رئیس‌جمهور کشور باشد، متحیر شدم.

کاری که این «نیروهای امنیتی» کردند این بود که خود را از صحنه کنار کشیدند و به اقدامات کنترل نشده دستجات فاشیست آزادی عمل دادند- تا آن‌طور که در اوکراین، در لیبیا، در عراق، در سوریه عمل کردند رهبران

مزاحم امپراتوری را سرنگون کنند- یا در مورد سوریه سعی کنند سرنگون سازند- و جمعیت و بخش‌های رزمنده، و چهره‌های خود دولت را مرعوب کنند.

لذا این یک مفهوم اجتماعی-سیاسی جدید است: کودتای نظامی «از طریق کوتاهی»، اجازه دادن به گروه‌های ارتجاعی، که راست آن‌ها را به کار گرفته و تأمین مالی می‌کند، برای تحمیل قانون خودشان. پس از حاکم شدن ترور و با دولت بی‌دفاع، نتیجه ناگزیر بود.

پنجم: نظم امنیتی و عمومی هرگز نباید به مؤسساتی مانند پولیس و ارتش، که امپریالیسم و مهره‌های آن از راست محلی در آن قرار دارند، واگذار می‌شد.

زمانی که حمله علیه اوو آغاز شد، او به جای پاسخ دادن به تحریکات فاشیستی سیاست تسامح را در پیش گرفت. این آن‌ها را جسور کرد و به آن‌ها اجازه داد خواست خود را بالا ببرند: نخست خواست برگزاری دور دوم انتخابات؛ سپس طرح تقلب و انتخابات جدید؛ کمی بعد، انتخابات بدون اوو (شبییه در برزیل بدون لولا).

سپس، آن‌ها خواهان استعفای اوو شدند؛ در آخر، به دلیل تردید او در گردن نهادن به باج‌گیری، آن‌ها با همدستی پولیس و ارتش ترور را مستقر کردند و اوو را مجبور به استعفاء نمودند.

همه چیز طبق دفترچه راهنما. آیا ما از این درس‌ها خواهیم آموخت؟

*- آتیلیو بورون، جامعه‌شناس ارجنتائینی تأملات مهمی را پیرامون کودتا در بولیوی ارایه می‌نماید.

منبع: نیوزکلیک

تارنگاشت عدالت

این مطلب در [گرا‌نما ارگان حزب کمونیست کوبا](#) به زبانهای مختلف منتشر شده است